

بنیادها و نهادها در اقتصاد رانت خواری: بنیاد مستضعفان و جانبازان^۱

نوشته: جمشید اسدی

assadi3000 at yahoo dat com

بر کمتر کسی پوشیده مانده که بسیاری از بنیادهای انقلابی و مؤسسات خیریه در ایران امروز، مبدل به پایگاه های اقتصادی و حتی سیاسی جناح های خاص گشته اند. اما آن چه که هنوز تقریباً بر همه کس پوشیده مانده، حساب های مالی، ساختار شرکت های وابسته، شبکه های فعال و روابط درونی و برونی مسئولین این بنگاه هاست. علت رمز و راز این نهادها که عمدتاً پس از انقلاب بوجود آمدند و یا بنا بر صلاحدید قدرت مداران، از نو زاده شدند، در عدم پاسخگویی آنهاست. به طوری که علیرغم در اختیار گرفتن و بهره مندی از بخش بزرگی از ثروت ملی، نه الزامی به توضیح به دولت دارند و نه نیازی به پاسخ گویی به ملت. بنا به روایات مختلف، بخش بزرگی از اقتصاد نفتی و حتی به زعم برخی، دست کم در حدود 70 درصد منابع اقتصادی جامعه ایران در اختیار بنیادها و نهادهای عمومی و دولتی است.^۲

کسب درآمد تنها راز مسئولان این نهادها نیست. خرج منابع ملی در اختیار ایشان نیز در پوشیدگی و خودکامگی کامل و بدون کسب نظر صاحبان واقعی این منابع صورت می گیرد. متأسفانه پرسش و کنکاو در این مورد خالی از خطر نیست و لاجرم خبر و شایعه، بدون امکان تفکیک آن درهم می آمیزند. چه کسی از چند و چون کمک بنیاد مستضعفان به حزب الله لبنان و شاید دیگر گروه های تندروی بنیادگرا اطلاع دارد؟ تا کجا می توان در مورد تعیین جایزه 2.5 میلیون دلاری برای قتل سلمان رشدی، از سوی بنیاد 15 خرداد به سرپرستی وقت حسن صانعی پرس و جو کرد؟ البته رمز و راز ذاتی بنیاد نیست. بر عکس، بنیاد (Fondation) واجد معنای بسیار دقیقی در واژگان حقوق اقتصادی است و بر نهادی دلالت دارد که منبع اصلی درآمد آن از طریق دهش (dotation)، ارث (leg) و واگذاری (donation) تأمین می شود. این وجوه که به شکل غیر قابل بازگشتی در اختیار بنیاد قرار می گیرد، در راه اهداف نیکوکاری و عام المنفعه و غیرانتفاعی به مصرف می رسد.^۳ در ایران اما، بنیادها سرنوشت دیگری داشتند، چه بسیاری از اموالی که امروز در اختیار بیش از 100 بنیاد و نهاد و ستاد و کمیته است، در مواردی به طور نامشروع و با فشار و تهدید از دست مالکان اصلی آن ها بدر آمده اند. این اموال غالباً با ترساندن صاحبان و فراری دادن ایشان کسب شده اند و در موارد بسیاری دست بدست میان شبکه های وابسته گشته اند.

بدین ترتیب بنیادهایی از این دست، با برخورداری از حمایت قدرتمندان آشکار و نهان و بهره مندی از انحصارهای اقتصادی، تبدیل به مهم ترین ارکان رانت خواری در ایران شدند. موضع زورمدارانه بعضی از حامیان بنیادها تا بدانجا بود که عملاً پرداخت مالیات از دوش ایشان برداشته شد و ماده 58 قانون برنامه دوم بر آن صحنه گذارد. مسئله پرداخت از سوی بنیادها از عمده ترین مباحث سال های اخیر بوده است. بعنوان مثال، منتقدان بنیاد مستضعفان را به نپرداختن مالیات به دولت متهم می کنند، اما بنیاد در مقابل بیان می دارد که مالیات سالیانه خود را هر ساله به یک حساب معین دولتی واریز می کند. حقیقت آن است که دولت وجوه همین حساب را برای هزینه کردن در امور جانبازان به بنیاد برمی گرداند! مجلس پنجم نیز با همکاری شورای نگهبان و شورای مصلحت نظام و همچنین عدم

1 این مقاله در آخرین شماره نشریه آفتاب (27، تهران) به چاپ رسیده است

۲ - علی رشیدی (2000)، چه کسانی از آرامش سیاسی و امنیت اقتصادی زیان می بینند. کیهان لندن، شماره 832، پنجشنبه 16 نوامبر تا چهارشنبه 22 نوامبر 2000.

۳ - Vocabulaire juridique (2ème édition, 1990), publié sous la direction de Gérard Cornu, PUF.

مخالفت مقام رهبری، قانونی را به تصویب رسانید که به موجب آن مجلس شورای اسلامی، حق نظارت و کنترل بر نهادها و سازمان های تحت نظارت رهبری را ندارد. بحث بر سر سرشت نیک و بد مدیران و مسئولان این بنیادها نیست. بحث بر سر آن است که فلسفه اقتصادی آن ها، برخلاف معمول بنگاه ها و شرکت ها در اقتصاد بازار و رقابتی، جلب رضایت شهروند مشتری نیست. انگیزه اصلی بنیادهای رانت خوار، جلب رضایت حامیانی قدرتمند است که امتیازات انحصاری ایشان را تضمین می کنند. داد و ستد میان این دو، صاحبان نامشروع قدرت را ثروتمند و مدیران بی کفایت اقتصادی را قدرتمندتر می کند.

پس از انقلاب بنیادهای مستضعفان و جانبازان، شهید، 15 خرداد (دریافتی این بنیاد به ریاست حسن صانعی برای اجرای طرح شهید رجایی از بودجه دولت در سال 1377 مبلغ 310 میلیون دلار بود)، جامعه الصادق (به ریاست آیت الله مهدوی کنی)، امیر المؤمنین و امام رضا (تحت نظارت مصطفی میرسلیم) از جمله مهم ترین نهادهایی بودند که به یمن حامیان قدرتمند از رانت های انحصاری بهره فراوان بردند. اکثریت قریب به اتفاق این نهادها بدون هیچگونه توجیه اقتصادی و اجتماعی بوجود آمده بودند و غالباً برای کارهای مشابه ای از بودجه دولت سهم دریافت می کردند. در این مورد، بنیاد علوی مثال بسیار گویایی است. این بنیاد، تا پیش از سال 1375، تحت سرپرستی معاونت اموال و دارایی های بنیاد مستضعفان قرار داشت، اما بنا بر گزارش تحقیقی و تفحصی مجلس پنجم در سال 1375، «... بنیاد علوی با 106 کارمند، فلسفه وجودی مشخصی نداشته و عملکرد خاصی از خود ارائه کرده است و وجود آن اساساً با سایر واحدهای معاونت به صورت موازی می باشد»^۴.

ما از میان این بنیادها عمدتاً به بررسی بنیاد مستضعفان و جانبازان می پردازیم و در عین حال نگاهی به بنیاد شهید خواهیم داشت. دلیل این انتخاب حضور این دو، بویژه اولی در زندگی اقتصادی و سیاسی کشور است. بنیاد مستضعفان و جانبازان، به علت وزنه غیر قابل مقایسه اقتصادی و نیز حضور فعال در تاریخ انقلاب اسلامی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بنیاد شهید نیز علیرغم ثروتی به مراتب کمتر، حضوری به همان اندازه پر سروصدا در صحنه بین المللی داشته است. دلیل دیگر این انتخاب، خبر و شایعه در مورد نزدیکی و ادغام دو بنیاد نامبرده در یکدیگر است. در اواخر بهمن ماه سال 1381، رئیس جمهور خاتمی در پی مشکلات سه نهاد بنیاد مستضعفان و جانبازان، بنیاد شهید و ستاد رسیدگی به امور مجروحان جنگ، خانواده های شهیدان و اسیران جنگ ایران و عراق پیشنهاد ادغام سه نهاد مذکور را به مقام رهبری آیت الله خامنه ای، ارائه می دهد و ایشان نیز به شرط نگهداشت شخصیت حقوقی نهاد، موافقت می کنند و قرار می شود که از ابتدای سال 1382، این طرح به مرحله اجرا درآید^۵. البته چند روز بعد، خبر ادغام دو بنیاد مستضعفان و شهید تکذیب شد. گویا تنها بخش های مربوط به امور جانبازان از دو بنیاد مذکور جدا و در هم ادغام می شوند و بدین ترتیب نهاد جدیدی به نام سازمان امور ایثارگران بوجود خواهد آمد^۶. هر چه هست این دو نهاد در صحنه سیاسی و اقتصادی کشور، جای و مقام مهمی دارند.

1. تولد بنیاد مستضعفان و جانبازان. بنیاد مستضعفان در پی پیروزی انقلاب اسلامی در روز 14 اسفند سال 1357، به فرمان آیت الله خمینی برای کنترل مایملک بر جای مانده از بنیاد پهلوی بوجود آمد و با مصادره اموال نزدیکان شاه، بلندپایگان نظام پیشین و نیز کارخانجات و ابزار تولیدی صاحبان صنایع به یکی از بزرگ ترین قدرت های اقتصادی ایران تبدیل شد. بنیاد پهلوی در سال 1337، به نام و تصمیم آخرین پادشاه ایران ایجاد شده بود و بنا بر قول همو، از همان آغاز وظیفه و رسالتی اجتماعی و فرهنگی داشت و به همین منظور نیز امکاناتی چون اراضی و دارایی های شخص

۴ - گزارش تحقیق و تفحص در مورد عملکرد بنیاد مستضعفان و جانبازان، قسمت دوم، در روزنامه سلام، شنبه 5 خرداد 1379.

5 - سایت اینترنتی BBC Persian، ادغام بنیادهای مستضعفان و شهید.

6 - سایت اینترنتی BBC Persian، بنیادهای مستضعفان و سایر بنیادها از جمله نهادهای تحت اختیار رهبری هستند، هشتم فوریه 2003.

شاه، اموال غیرمنقول، مهمانخانه ها و سهام شرکت های مختلف مانند بانک عمران، بیمه ملی در اختیارش گذارده شد.^۷ بنا بر همان منبع، فعالیت بنیاد بویژه در زمینه فرهنگی بسیار گسترش یافته بود و به طور مثال شامل کمک هزینه تحصیلی به 13000 دانشجوی ایرانی در داخل و خارج کشور در آستانه سال 1357، نشر بیش از 500 عنوان کتاب توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب تا سال 1356، اعطای جایزه به نویسندگان و مترجمان بهترین کتب سال، و هدیه برای بهترین دانش آموزان مدارس ابتدایی و متوسطه در سرتاسر کشور به مناسبت عید نوروز می شد.^۸ نامبرده اضافه می کند که نه تنها بنیاد کمک های مالی قابل ملاحظه ای در اختیار فعالیت های نیکوکاری فرح پهلوی قرار داده بود، بلکه به منظور تعدیل هزینه مسکن، به انجام یک رشته برنامه های وسیع خانه سازی نیز دست یازیده بود. آخرین شاه در عین حال مدعی است که بنیاد پهلوی در مرمت مساجد و تکایا و تأمین هزینه آب و برق و نگاهداری آن ها، تأمین کمک هزینه برای تحصیل گروه کثیری از طلاب علوم دینی بویژه در شهر قم و حتی اعطای کمک مالی به نشریات مذهبی نیز فعالیت داشت.^۹ وی سرانجام اضافه می کند که هرگز کوچک ترین درآمد و سودی از محل بنیاد پهلوی نداشته است و حتی در زمستان 1357، باقیمانده دارایی خود را نیز به بنیاد بخشیده است.^{۱۰}

اما خواهر خوانده بنیاد مستضعفان یعنی بنیاد شهید به تمامی فرزند انقلاب است. با وجود این در نشریات چاپ کشور و حتی در گزارش های ارائه شده به مجلس، کمتر می توان به خبری در مورد فعالیت های اقتصادی و کارنامه مدیریت آن دست یافت. بدین ترتیب اطلاع از مبلغ اصلی درآمد و چون و چند هزینه های بنیاد شهید کار آسانی نیست. این قدر می دانیم که بنیاد شهید انقلاب اسلامی در سال 1358 به فرمان آیت الله خمینی تأسیس گردید و هدف آن بموجب ماده 3 اساسنامه به ترتیب زیر تعیین گردید:^{۱۱}

- 1- احیاء، حفظ و ترویج فرهنگ شهادت در جامعه
 - 2- زنده نگه داشتن یاد و نام شهیدان انقلاب اسلامی و حفظ آثار آنها
 - 3- تجلیل، تکریم، صیانت و حمایت از خانواده های معظم شهدا
 - 4- تلاش برای استفاده از امکانات عمومی جامعه و نظام و نیز بهره گیری از سرمایه و دارایی بنیاد برای رشد و اعتلای مادی و معنوی خانواده های معظم شاهد
- با توجه به شباهت های غیر قابل انکار اهداف دو بنیاد مذکور، می توان پرسید که چه چیز حیات موازی این دو را توجیه می کند؟ پاسخ را می بایستی در مکانیزم اقتصاد رانت خواری و احتیاج متقابل محافل قدرت و مراکز ثروت به یکدیگر جست.

2. منشاء دارایی های بنیاد مستضعفان و جانبازان. در مورد هزینه و دررفت بنیاد پهلوی سابق، آن چنان که مورد ادعای ریاست عالیہ متوفای آن است، می توان به دیده تردید نگریست و در هر حال انتظار تحقیق و بررسی بیشتر داشت. اما نمی توان شکی بخود راه داد که دارایی و درآمد قابل ملاحظه بنیاد پهلوی، پس از انقلاب، یک جا در اختیار جانشین خود، بنیاد مستضعفان قرار گرفت. نظام برآمده از انقلاب برای سازماندهی دارایی های شخصی شاه، به سازمان جانشین اختیارات بی سابقه ای اعطا کرد که پی آمدهای سیاسی فوق العاده ای به دنبال داشت. این اقدام سوای جذب 3.2 میلیارد دلاری بود که تحت کنترل بنیاد پهلوی قرار داشت. در همان آغاز، شورای انقلاب بانک مرکزی را موظف

۷- محمد رضا پهلوی (تاریخ؟)، فصل دهم؛ بنیاد پهلوی، دارایی شخصی من پاسخ به تاریخ، ناشر؟، محل؟.

۸- همانجا.

۹- همانجا.

۱۰- همانجا.

۱۱- فصل اول، شناخت سازمان های بخش رفاه اجتماعی بنیاد شهید اسلامی، ص 323.

کرد که مبلغ 1000 میلیون ریال وام در اختیار این بنیاد جدید قرار دهد.^{۱۲} بر این غنیمت عظیم، به سرعت دارایی هایی افزوده شدند که به حق و ناحق از دست دارندگان اصلی حرفه ای یا خصوصی آنها مصادره شده بودند.

برای پی بردن به انواع منابع درآمد و دارایی بنیاد مستضعفان، کافی است به اساسنامه آن مراجعه کنیم. در بند اول ماده دوم اساسنامه آمده است: «متمركز ساختن کلیه وجوه نقد، سهام و اوراق بهادار، اموال منقول و غیرمنقول خاندان پهلوی و تمام اشخاص حقیقی و حقوقی که با وابستگی به این خاندان ثروت های نامشروع به دست آورده اند، دادگاه انقلاب حکم استرداد یا اداره موقت اموال مزبور را صادر کرده و می کند و تملک و اداره و بهره برداری آن ها از سوی بنیاد مستضعفان صورت می گیرد، اعم از این که در داخل یا خارج کشور باشد».^{۱۳} از آن گذشته در بند دوم ماده دوم اساسنامه، به دیگر منابع درآمد بنیاد نیز اشاره شده است: «قبول وجوه نقد و اموال منقول و غیرمنقول که از طرف اشخاص حقیقی یا حقوقی به بنیاد اهدا می شود و اداره و بهره برداری آن ها».^{۱۴} بدین ترتیب نه تنها، بنیاد مستضعفان وارث تمامی دارایی و منابع درآمد بنیاد پهلوی شد، بلکه با مصادره واحدهای اقتصادی بسیاری، بر ثروت خود باز هم افزود. ذکر موردی از این مصادره ها خالی از فایده نیست.

ایلقانیان یکی از کارآفرینان پویای ایرانی، موفق شده بود با احداث و مدیریت صحیح ساختمان آلومینیوم در خیابان شاه سابق (جمهوری پس از انقلاب)، آن را از حدود سال 1348 به بعد به یکی از مراکز مهم تجارت بین المللی ایران تبدیل کند. یکی از تجار پرسابقه و هنوز فعال در ایران که به دلایل روشن از ذکر نامش می گذرم در مصاحبه ای حضوری نقل می کرد که در یکی از سفرهای تجاری اش به ژاپن، مجبور شد کارت بازرگانی خود را به طرف های ژاپنی مذاکره نشان دهد. ژاپنی ها به محض رویت نشانی تاجر مورد نظر در ساختمان آلومینیوم، بلافاصله رویه ای بسیار مثبت در پیش گرفتند و حتی پذیرفتند که کالای خود را به اعتبار به ایران بفرستند، که این خود نشانه اعتبار و شهرت ساختمان آلومینیوم در خارج از کشور بود.

پس از انقلاب، ایلقانیان که از شهرت و نیکنامی در میان همتایان خود برخوردار بود، به جرم ارسال بعضی از کمک های مالی به اسرائیل، تیرباران و تمامی سرمایه و دیگر دارایی های وی، توسط بنیاد مستضعفان مصادره شد. بر تأسف تیرباران و مصادره کارآفرین ایرانی یهودی مذهب، باید از میان رفتن سرمایه های اقتصادی او را نیز افزود. چه بنیاد مستضعفان بدون برخورداری از اصول و مهارت های مدیریت، تنها با تحمیل انحصار، به رتق و فتق امور پرداخت. بعنوان مثال در سال 1379، از هر دفتری در این ساختمان بجای 12 اجاره، 14 اجاره ماهانه در سال دریافت می شد. بهانه هزینه های اضافی، شوقاژ بود که غالباً از کار می افتاد و نیز دستمزد کارگران. در عین حال ساختمان اعتبار پیشین خود را از دست داده است و عملاً تبدیل به مرکز تعمیرگران وسایل برقی شده است. با وجود این مشکلات، اگر صاحب تجارتي قصد کند دفتر خود را واگذار کند و از ساختمان مذکور برود، باید در حدود یک تا سه میلیون تومان به بنیاد بپردازد!

بدین ترتیب هنوز چند سالی از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که بنیاد مستضعفان، به یمن ثروت بجای مانده از بنیاد پهلوی و مصادره واحد های اقتصادی و حتی مایملک مردم عادی، نه تنها به ثروتمندترین نهاد، بلکه در عین حال به توانمندترین واحد اقتصادی کشور مبدل شد.

واحدهای زیر پوشش بنیاد مستضعفان بر حسب نوع حکم در سال 1361

۱۲ - سوزان مالونی (1379)، بنیادها و خصوصی سازی در ایران، گفتگو، فصل نامه فرهنگی و اجتماعی، شماره 28، تابستان

13 - نگاه کنید به پیوست 1.

14 - نگاه کنید به پیوست 1.

صنایع	مصادره	سرپرستی	توقیف	سایر احکام	جمع
صنایع	112	33	4	-	149
معادن	24	12	5	23	64
کشاورزی	53	3	4	-	60
ساختمان	67	1	20	13	101
فرهنگی	13	-	7	5	25
بازرگانی	79	102	31	26	238
باغداری، مصادره، سرپرستی، توقیف و سایر احکام					
412					
املاک و مستغلات، مصادره، سرپرستی، توقیف و سایر احکام					
2.786 پلاک ثبت املاک					
جمع	348	151	71	67	3.835 واحد (1)

منبع: حسن آذین فر (1380)، نگاهی بر خدمات بنیادهای نیکوکاری در ایران، به نقل از بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب، پژوهش اداره بررسی های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی، صص 268-270.

به تدریج، با فشار و صد البته مصادره های متعدد، بنیاد توانست طیف گسترده ای از فعالیت های اقتصادی چون توریسم، حمل و نقل، دامپروری و غیره را تحت اختیار خود درآورد. سایت اینترنتی بنیاد تمامی این فعالیت ها را در شش گروه اصلی ساختمان، کشاورزی، حمل و نقل، تجارت، توریسم و صنایع و معادن دسته بندی می کند^{۱۵}، اما به ریز شرکت ها و بنگاه های هر دسته و بتوان اولی سود و زیان آن اشاره ای نمی کند. حتی تخمین شرکت های بنیاد نیز کار آسانی نیست. به گفته خود مسئولین، بنیاد در سال 2000 میلادی، 400 واحد کوچک و بزرگ اقتصادی را در برمی گرفت^{۱۶}. اما منابع خارجی این رقم را تا حدود 1200^{۱۷} و حتی 1630^{۱۸} برآورد می کنند. پیوست شماره 2 این مقاله، در برگیرنده سند رسمی است که شمار شرکت های تحت پوشش بنیاد را در حدود 554 برآورد می کند^{۱۹}. با توجه به مجموع این شرکت ها و شبکه گسترده ناشی از آن، برخی عقیده دارند که در حدود 25 تا 30 درصد تولید ناخالص داخلی ایران، در اختیار بنیاد مستضعفان قرار دارد^{۲۰}. گزارشگران خارجی، سهم بنیاد در اقتصاد غیرنفتی ایران را تا حدود 40 تا 45 درصد برآورد می کنند^{۲۱}.

شوربختانه باید گفت که مصادره های بنیاد منحصر به واحدهای اقتصادی نبودند و اموال عادی را نیز در بر می گرفتند. ذکر نمونه ای در این مورد خالی از فایده نیست. نمونه مربوط به سرگذشت خانواده شجاع الدین شیخ الاسلام زاده، وزیر بهداشتی در کابینه امیرعباس هویداست. همسر وی، آذر آریان پور، گرفتار شدن دکتر شیخ الاسلام زاده را در دوران نخست وزیری شریف امامی، به منظور ساکت کردن اعتراضات مردمی، تا وقوع انقلاب و گرفتاری مجدد و سرانجام حبس ابد او را شرح می دهد. خاطره برگزیده مربوط به چگونگی مصادره خانه خانواده دکتر شیخ الاسلام زاده و به روشنی بیانگر مشتی از خروار است:

«در ساعت دوازده و پنج دقیقه بعد از ظهر سوم مرداد 1358، دو مأمور مسلسل به دست با زور به آپارتمان مادرم داخل

۱۵ - سایت رسمی بنیاد مستضعفان و جانبازان را در نشانی زیر می تواند دید: www.iran-bonyad.org.

۱۶ - آل اسحاق، روزنامه ابرار اقتصادی، سه شنبه 3 آبان 1379 مصادف با 124 اکتبر 2000.

۱۷- Kaplan Robert D. (1996), A Bazaar's World, in The Atlantic Monthly, March.

۱۸- Le Figaro, jeudi 21 décembre 2000.

۱۹ ایران سال اقتصادی 1380، موسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، شماره 1

۲۰ - فریدون خاوند (1379)، اشتباهی سیری ناپذیر بنیاد، نگاه هفته به اقتصاد ایران، کیهان لندن، مرداد.

۲۱ - روزنامه فرانسوی فیگارو Figaro (2000)، همان.

شدند و به من دستور دادند که همراه آنها به خانه خودمان بروم ... همچنان که دوان دوان دنبال آنها می دویدم، از دور مشاهده کردم که خانه ما در محاصره قرار دارد. نزدیک شدیم و ایستادیم. چند جیب ارتشی و عده ای مأمور مسلح خانه را قرق کرده بودند. یکی از مسلسل به دستها که سیبل استالینی داشت، با تحکم اعلام داشت:

- خانه مصادره شده، در را باز کن!

- امتناع کردم و با صدای لرزانی گفتم: به چه حقی می خواهید خانه ما را ضبط بکنید؟ شوهرم که هنوز محکوم نشده!

- مأمور فریاد بلندی کشید: در را باز کن!

با دست لرزان کلید خانه را از جیبم در آوردم. آن را از دستم قاپید و باز کردن در مشغول شد. یکدفعه سیل مأمورین به درون خانه هجوم بردند. من هم مثل سایه همراه شان دویدم. از حیاط گذشتیم و به ایوان رسیدیم. آنها بی اعتنا به اعتراض من در ورودی ساختمان را گشودند و به درون سرازیر شدند. سپس غارت وار از این اتاق به آن اتاق حمله کردند و به زیر و رو کردن اثاث و شکستن اشیاء پرداختند. ... مرد مسلسل به دست مرا از اتاقی به اتاق دیگر برد تا به صندوق خانه رسیدیم. ... با ته مسلسل اش به من سقلمه زد و به من امر کرد گاو صندوق را باز کنم. ذهنم به قدری مغشوش بود که رمز قفل آهنی صندوق را به خاطر نمی آوردم. ...

- گفتم: به خدا قسم رمز قفل یادم نیست.

مرا به کناری زد و با مسلسل خود گاو صندوق را نشانه گرفت. بنگ! بنگ! بنگ! ... همه اشیایی که برای ما بیش از بهای مادی از نظر عاطفی ارزشمند بودند، به تملک وی درآمدند. قدرتمندان و با دست های پر، به من فرمان داد که به طبقه پایین برگردم.^{۲۲}»

اما چندی پس از این مصادره و بویژه محکومیت خود دکتر شیخ الاسلام زاده به حبس ابد، حاکم شرع دادگاه انقلاب، آیت الله محمدی گیلانی، پسر ارشد خود را در یک تصادف اتومبیل از دست می دهد. خانواده وی، بویژه مادر داغیده، معتقد بودند که احتمالاً نفرین قربانیان آخرین حکم، یعنی شیخ الاسلام زاده ها، دامنگیر پسر ارشد حاکم شرع شده است. حاکم شرع آذر آریان پور را به قم فرا می خواند و قول استرداد خانه و اموال مصادره شده را به وی می دهد. یک ماه پس از این ملاقات، کمیته محل، کلید خانه را برای آذر آریان پور پس می فرستد. اما وقتی که وی خانه خود را باز می یابد، به سرعت متوجه واقعیت تلخ انقلابی آن روزگار می شود: «خانه نبود، ویرانه بود. به جای باغچه سبز و خرم ما تلی از خاک به چشم می خورد. آنها به امید یافتن گنج، باغچه را زیرورو کرده بودند. حتی درخت های تنومند هم از تاراج مصون نمانده بودند. داخل ساختمان وضع خراب تر بود. بوی مسمن کننده ای مشامم را آزار می داد. از سرسرا به حمام رفتم تا علت را دریابم. از لگن دست شویی و توالت اثری نبود. در عوض دو سطل آشغال مدفوع جمع کرده و برای ما به یادگار گذاشته بودند. خانه از همه وسایل خالی بود. حتی قفسه های آشپزخانه را کنده و ربوده بودند. یک شیء ناقابل هم از چپاول باقی نمانده بود. از اتاق های متروک یکی یکی بازدید کردم. جز کثافت چیزی نیافتم. ... ناگهان با مرد قلدری که چشم های نفرت بار داشت، روبرو شدم. نعره اش مرا به لوزه درآورد.

- زنی که این جا چه کار می کنی؟ مگر نمی دانی که این خانه متعلق به بنیاد مستضعفین است؟

- با لکنت زبان جواب دادم: آن را ... به ما پس داده اند. این هم کلیدش.

- خفه شو گورت را گم بکن! اگر یک دفعه دیگر این طرف ها پیدایت بشود، قلم پایت را می شکم!

من از ترس چنان پا به فرار گذاشتم که سایه ام هم به دنبال نمی رسید. قسم خوردم که هرگز به آن خانه منحوس پا نگذارم.^{۲۳}»

22 - آذر آریان پور (1381)، ویراست جدید)، پشت دیوارهای بلند - از کاخ تا زندان، صص 211-213

23 - آذر آریان پور (1381)، ویراست جدید)، همان، صص 253-254

چندی بعد در آمریکا، در پاسخ به پرسش دوستی در مورد استرداد خانه و اموال پرسیده بود، آذر آریان پور پاسخ داده بود: «یک کمیته پس داد، یک کمیته دیگر پس گرفت. فعلا بین خودشان دعوا دارند.»^{۲۴} اما در این مورد خاص، دعوا سرانجام به نفع طرفداران استرداد خانه فیصله می یابد و متولی مسجد محله نیز یک مشتری معرفی می کند تا خانه را به یک پنجم قیمت روز بخرد! با وجود این به جرأت باید گفت که آن چه شرح رفت حکایتی خوش فرجام است. چه بسیاری از مردم به همین ترتیب به طور قطعی مایملک خود را از دست دادند. شاهد این مدعا، آگهی های چهار تا هشت صفحه ای است که هر از چندی توسط بنیاد مستضعفان و جانبازان برای فروش خانه و املاک صادره ای کشور به چاپ می رسد.^{۲۵}

حقیقت آن است که از همان آغاز، تضاد یا دست کم تناقض هایی در مورد هویت قانونی بنیاد مستضعفان و جانبازان به نظر می رسد. مواد هفتم و بیست و هشتم اساسنامه بنیاد، اموال صادره شده را سرمایه بنیاد معرفی می کند، در حالی که بموجب اصل 49 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، وظیفه استرداد اموال نامشروع و صادره ای به عهده دولت است. آیا دولت به اختیار این سرمایه را در اختیار بنیاد مستضعفان قرار داده است؟ در این صورت آیا قرارداد، موافقت نامه و حکم مشخصی وجود دارد؟ از سوی دیگر به موجب اصل پنجاه و پنجم قانون اساسی، حساب های بنیاد می بایستی توسط دیوان محاسبات مورد بررسی قرار گیرد و گزارشی به مجلس تسلیم گردد، حال آن که در اساسنامه بنیاد پیش بینی شده است که بنیاد از شمول قانون محاسبات عمومی مستثنی است.^{۲۶}

بهر حال باید دانست که درآمدهای بنیاد مستضعفان، منحصر به مصادره و میراث نیست. می بایستی بر جمیع دارندگی و درآمد بنیاد کمک های دولتی را نیز افزود که امروز مبدل به یکی از منابع قابل توجه بنیاد شده اند. در سال 1373، بنیاد مستضعفان برابر 84 میلیارد ریال از بودجه دولت استفاده کرد و این در حالی است که در آن سال، بنیاد در بیش از 750 شرکت سهم داشت که در بیش از 390 واحد از آن شرکت ها، مالک 51 درصد سهام بود.^{۲۷} در سال 1376، 7/5 درصد منابع بنیاد مستضعفان ناشی از کمک های دولتی بود:

منابع بنیاد در سال 1376 (میلیارد ریال)

منابع حاصل از فعالیت های اقتصادی	330/7	38 درصد
فروش اموال و املاک	192/2	22 درصد
مالیات	161/4	19 درصد
فروش سهام	117/4	13/5 درصد
کمک های دولت	64/4	7/5 درصد
جمع کل	866/1	100 درصد

مأخذ: شناخت سازمان های بخش رفاه اجتماعی، بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی

24 آذر آریان پور (1381)، ویراست جدید)، همان، صص 289

25 به طور مثال می توان به آگهی 14 صفحه ای مزایده ویژه اموال و املاک با شرایط استثنائی اشاره کرد که در تاریخ دوشنبه 5 اردیبهشت 1379 (مطابق با 19 محرم 1421 و 24 آوریل 2000) از سوی سازمان اموال و املاک بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی در روزنامه های کشور به چاپ رسید. این آگهی مزایده دربرگیرنده 734 ملک در استان های مختلف کشور بود.

۲۶ - مرتضی نصیری (1375)، بنیاد مستضعفان، بزرگ ترین و قدرت مندترین واحد اقتصادی ایران وظایفش چیست و نقش امروزی آن کدام است؟، ره آورد، شماره 38 لس آنجلس

۲۷ - حسن آذین فر (1380)، تگاهی بر خدمات بنیادهای نیکوکاری در ایران، بخش نهم.

ثروت بنیاد شهید و اصولاً ثروت هیچ نهاد و بنگاه و شرکت دیگری قابل مقایسه با دارندگی های بنیاد مستضعفان نیست. بموجب ماده 7 اساسنامه بنیاد شهید، پشتیبانی مالی وظایف در قبال شهادت، شهید و خانواده شاهد می بایستی از طریق منابع زیر تأمین شود:

- 1 - کمک های مقام معظم رهبری
- 2 - کمک ها و اعتبارات مصوب در بودجه عمومی کشور
- 3 - درآمدهای حاصل از فعالیت های اقتصادی بنیاد
- 4 - هدایا و کمک های اشخاص حقیقی و حقوقی

بدین ترتیب بنیاد شهید بنا بر نفس اساسنامه خود موظف است اموال و دارایی های تحت پوشش را به نحو مطلوب اداره و برای تأمین درآمد و آینده اقتصادی بستگان شاهد از آن ها بهره برداری کند. لازم به یادآوری است که بنیاد شهید در سال 1369 مالک بیش از 150 کارخانه بود که در حوزه های تولید صنعتی، ساخت و ساز، کشاورزی، تجارت و خدمات فعال بودند. بزرگ ترین این واحدها، شرکت سرمایه گذاری شاهد بود که خود فعالیت های گسترده ای داشت. با وجود این وجود واحدهای اقتصادی گوناگون باعث نشده که بنیاد شهید خود را از کمک های دولتی بی نیاز بداند. به طوری که بخشی از بودجه بنیاد «غیردولتی» شهید از محل اعتبارات بودجه عمومی کشور تأمین می شود. با توجه به قدرت در بنیاد شهید، کمتر دولتی است که بتواند از اعطای کمک بدان سرباز زند. در سال 1375، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، در حدود 1000 میلیارد ریال برای خانواده شهدای جنگ از محل بودجه دولت هزینه کرد. در سال 1377، این رقم 5 میلیارد ریال فزونی گرفت و به رقم 1005 میلیارد ریال بالغ شد^{۲۸}. در سال 1380، این مبلغ معادل 3100 میلیارد ریال بوده است. شایان ذکر است که از سال 1368، رسیدگی به امور جانبازان به بنیاد مستضعفان و جانبازان محول گردیده بود!

جدول اعتبارات تخصیص یافته به بنیاد شهید از محل بودجه عمومی کشور

مبلغ ارقام به میلیارد ریال	شرح
2.700.000	1 - منابع 2/700
2.236.000	- پرداخت حقوق خانواده شاهد
12.000	- هزینه های اداری و پرسنلی
71.000	- آموزش عالی و عمومی
8.000	- گلزار شهدا
77.000	- اشتغال
42.000	- شهدای بین الملل (فلسطین و لبنان)
134.000	- سایر
390.000	2 - سایر منابع
98.8	- فعالیت های فرهنگی
34	- پژوهش (مراسم شهدا، تحقیق در خصوص شهدا، موزه شهدا و گزار شهدا و...)
180	- تعاون (مسکن، درمان و بیمه مضاعف خانواده شهدا، کمکهای اضطراری بلاعوض
5	- شهدای بین الملل

۲۸ - حسن آذین فر (1380)، تگاهی بر خدمات بنیادهای نیکوکاری در ایران، همان.

3. برآورد دارایی بنیاد مستضعفان و جانبازان. ارزش واقعی واحدهای اقتصادی بنیاد چقدر است؟ از ارزش کل دارایی های بنیاد اطلاع دقیقی در دست نیست. به احتمالی ارزش این دارایی ها رقمی بین 4 میلیارد تا 10 میلیارد دلار است.^{۲۹} تا چند سال پیش در حدود 70 هزار کارمند و 3.5 میلیارد دلار سرمایه در گردش به بنیاد نسبت داده می شد.^{۳۰} در مورد سود بنیاد، تخمین ها باز هم ناروشن تر است. در پاسخ به پرسش خبرنگاری در باره تقسیم سود، محسن رفیق دوست، سرپرست پیشین بنیاد پاسخ داده بود که سود بنیاد در سال 1993، حدود 250 میلیارد ریال یا به شاخص همان سال رقمی معادل 100 میلیون دلار می شد. به گفته او، این سود میان قربانیان زمان شاه، مصدومین جنگ هشت ساله با عراق، ایجاد مدارس و درمانگاه در محله های فقیرنشین، تهیه پوشاک و لوازم مورد احتیاج برای 500.000 دانش آموز نیازمند و نیز سرمایه گذاری دوباره تقسیم گشته بود.^{۳۱} البته رفیق دوست، در مورد تعداد هر یک از هزینه ها توضیحی نداده بود. چند سال بعد، رقم سود 63 میلیارد تومانی که برای بنیاد عنوان شد، بیاتگر کاهش فاحشی به نسبت سال 1993 بود.^{۳۲} اگر این تخمین ها درست باشند، روشنگر افست فعالیت های بنیاد و در غیر این صورت، مؤید ناروشنی های غیرقابل اجتناب این سازمان هستند. به قولی، از 400 واحد موجود در بنیاد، تنها 100 واحد آن سودآور هستند و بقیه یا نهایتاً قادر به اداره خودند، یا زیان ده می باشند و بدین ترتیب واحدهای سودده بنیاد به آنها رایانه پرداخت می کنند.^{۳۳} اما محدوده فعالیت بنیاد البته منحصر به ایران نیست. مؤسسات تابعه بنیاد در تجارت و سرمایه گذاری های مشترک با شرکت هایی از ارمنستان، بنگلادش، بوسنی، بلغارستان، چین، آلمان، هندوستان، ایتالیا، ژاپن، قزاقستان، کویت، لیبی، نروژ، پاکستان، روسیه، عربستان سعودی، تاجیکستان، ترکمنستان و بریتانیا همکاری دارد.^{۳۴} گردش پول میان واحدهای تحت پوشش داخلی و خارج بر کسی روشن نیست.

4. رتق و فتق امور در بنیاد. در انتقاد از ریخت و پاش های ناصواب بنیاد، بویژه در زمان تصدی محسن رفیق دوست، جناح های سیاسی گوناگون در ایران همدستان اند! در این مورد می توان به اقدام مجلس پنجم اشاره کرد که در پی تصویب ضرورت پژوهش در خصوص عملکرد بنیاد مستضعفان و جانبازان، هیئتی از نمایندگان را مأمور تحقیق و تفحص در این مورد کرد. گویا هیئت متشکل از نمایندگان و کارشناسان، از همکاری داوطلبانه دیوان محاسبات کشور و مردم نیز بهره مند گشته بود. اما هیئت مزبور، به دلیل «محدودیت زمانی و دلایل دیگر»، تحقیق و تفحص خود را به عملیات فروش اموالی از سوی معاونت اموال و دارایی های بنیاد^{۳۵} منحصر کرد و بدین ترتیب در باره دیگر بخش های بنیاد یا دیگر فعالیت های معاونت مذکور چون اجاره و واگذاری و هبه، سؤال و پرسشی بعمل نیاورد. حتی در چنین محدوده ای نیز، هیئت مجبور شد گزارش خود را به 150 مورد منقول و 150 مورد غیرمنقول تقلیل دهد، چه علیرغم درخواست های مکرر، بنیاد فهرست و مشخصات تمامی دارایی ها را به هیئت عرضه نکرد و در نتیجه روشن نشد که موارد میدانی مورد مطالعه هیئت، چه درصدی از کل دارایی های بنیاد را دربر می گیرند.^{۳۶}

۲۹ - نشریه پیام امروز، شماره 40، تیر و مرداد 1379، به نقل از نشریه اقتصادی مید MEED.

۳۰ - روزنامه فرانسوی فیگارو Figaro (2000)، همان.

۳۱ - Kaplan (1996)، همان.

۳۲ - آل اسحاق (2000)، همان.

۳۳ - آل اسحاق (2000)، همان.

۳۴ - سوزان مالونی (1379)، بنیادها و خصوصی سازی در ایران، همان.

۳۵ - این معاونت، اداره اموال و دارایی های منقول و غیرمنقول بنیاد را بر عهده دارد. این ها بعلت مصادره، توقیف و هبه برای سرپرستی به بنیاد واگذار شده اند و بنیاد نیز از طریق فروش، اجاره، واگذاری، هبه، صلح، معاوضه و نگهداری، این اموال و دارایی ها را کنترل و اداره می کند.

۳۶ - اخبار مجلس، گزارش تحقیق و تفحص از عملکرد بنیاد مستضعفان در مجلس قرائت شد، بخش اول، در روزنامه سلام، پنج شنبه 3 خرداد 1375.

بهر حال باید دانست که فروش اموال بیانگر رقم قابل ملاحظه ای در کل فعالیت های بنیاد بوده است، به طریقی که کل درآمد معاونت اموال و دارایی های بنیاد مستضعفان و جانبازان، در پنج سال دوم فعالیت، یعنی از سال 1368 تا 1372، 6 برابر بیشتر از رقم مشابه در پنج سال نخست بوده است (از 184.539 میلیون ریال در پنج ساله اول تا 1.111.430.000 ریال در پنج ساله دوم). افزایش چشمگیر نقدینگی و موجودی نقد در دست مسئولین بنیاد، بیش از هر چیز، ناشی از «تبدیل اموال و دارایی های بیت المال به نقدینگی بوده که البته نحوه هزینه کردن آن و میزان استفاده بخش جانبازان از این درآمد عظیم قابل بررسی است»^{۳۷}. گذشته از هزینه کردن درآمدها، در مورد شکل فروش اموال منقول و غیرمنقول از سوی بنیاد نیز، هیئت تحقیق و تفحص مجلس، به نغزش های فراوانی چون فروش با شرایط سهل به «خودی» ها، جعل اسناد و اطلاعات غیر قابل اطمینان یا دور از دسترس اشاره کرده است!

1.4. فروش با شرایط سهل به «خودی» ها. در بسیاری موارد، معاونت اموال و دارایی های بنیاد مستضعفان، مستغلات و املاک مردمی تحت سرپرستی خود را، با تسهیلات اعجاب آوری در اختیار مقامات کشوری و لشکری و مذهبی، بلندپایگان بنیاد و نیز خویشان مسئولین و بویژه بستگان رئیس وقت بنیاد، گذارده است. در این مورد بعنوان نمونه می توان به فروش مستغلاتی در خیابان سنایی به رئیس وقت سازمان بهزیستی (فروردین 1370)، آپارتمانی 107 متری در میدان ونک (خیابان بیژن) به قائم مقام وقت حراست کل بنیاد (27 آذرماه 1371)، زمینی در فاز 4 مهرشهر و در عظیمیه کرج به دو نفر از اعضای تعاونی مسکن بنیاد (تیر و مرداد 1369)، قطعه زمینی به مساحت 864 مترمربع واقع در چیذر شمیران به معاونت اقتصاد و برنامه ریزی بنیاد، ملکی واقع در جماران به مساحت 1035 مترمربع به حاکم شرع دادگاه، ملکی واقع در خیابان پاسداران به مساحت 111 مترمربع به رئیس سازمان کشاورزی وقت بنیاد، زمینی 4000 متری در سعادت آباد به شرکت سنجش تحت پوشش وزارت پست و تلگراف و تلفن و ملکی در بلوار کشاورز به معاون وقت پیگیری و ارجاع دادسرای انقلاب، اشاره کرد^{۳۸}.

در مورد اموال منقول نیز، معاونت مذکور با گشاده دستی زیاده از حدی عمل کرده است که به طور مثال، می توان به فروش اتومبیل پایین تر از قیمت بازار و بدون رسیدگی جدی به پرداخت وجه آن اشاره کرد. یکی از مهم ترین گشاده دستی های بنیاد در این مورد، فروش «دو دستگاه اتومبیل رولزرویس به آقای بهروز یارخدایی از محکومین متواری اختلاس 123 میلیارد تومانی بانک صادرات بوده است... لازم به ذکر است که طبق اظهارات کتبی کارشناسان، این دو دستگاه عتیقه^{۳۹} بوده و از ارزش بالایی برخوردار بوده اند، اما به دستور ریاست بنیاد (آقای رفیق دوست) با علم به عتیقه بودن، بدون مجوز قانونی فروش و انجام مراحل لازم، هر دو دستگاه مجموعاً به مبلغ 300 میلیون ریال فروخته شده اند و این در حالی است که کارشناسان با احتیاط فراوان و اظهار عجز از قیمت گذاری این عتیقه جات، برای هر یک از آنها، 200 میلیون ریال تعیین ارزش کرده بودند و اعلام داشته اند که با قیمت گذاری و فروش این عتیقه جات در خارج از کشور، قیمت واقعی آنها (که بالاتر است) تعیین خواهد شد. طبق گزارش غیرموثق، یک دستگاه از اتومبیل های فوق در خارج از کشور توسط خریدار به قیمت معادل 2 میلیارد ریال به فروش رسیده است. از سرنوشت اتومبیل دیگر اطلاعی در دست نیست»^{۴۰}. به همین ترتیب، معاونت مذکور اتومبیل های دیگری را نیز، چون

۳۷ - اخبار مجلس، گزارش تحقیق و تفحص مجلس در مورد عملکرد بنیاد مستضعفان و جانبازان، بخش دوم، در روزنامه سلام، شنبه 5 خرداد 1375.
۳۸ - گزارش تحقیق و تفحص مجلس در مورد عملکرد بنیاد مستضعفان و جانبازان، قسمت دوم، همان و اخبار مجلس، گزارش تحقیق و تفحص مجلس پیرامون عملکرد بنیاد مستضعفان و جانبازان و عملکرد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، قسمت سوم، یکشنبه 6 خرداد 1375.
۳۹ - گزارش اموال منقول بنیاد مستضعفان بر اساس آیین نامه مصوبه از سوی سرپرستی اموال منقول، معاونت اموال و دارایی ها و مدیریت مالی معاونت اموال، مورخ 1371/2/7 انجام می پذیرد. براساس ماده 1 این آیین نامه، صرفاً اموالی قابل فروش هستند که در زمره اموال عتیقه نباشند.
۴۰ - اخبار مجلس، گزارش تحقیق و تفحص مجلس پیرامون عملکرد بنیاد مستضعفان و جانبازان و عملکرد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، قسمت سوم، همان.

چند دستگاه مرسدس بنز، به مقاماتی از بنیاد فروخته است.

2.4. جعل اسناد و مدارک کارشناسی. بنا به گزارش مجلس در خصوص عملکرد بنیاد، این نهاد بدفعات و عامداً به جعل اسناد و تقلب دست یازیده است که به عنوان مثال می توان به ارائه مدارک کارشناسی جعلی و پرداخت رشوه به مأمورین شهرداری به منظور انجام مراحل اداری کار اشاره کرد. نکته این جاست که بنیاد حتی آیین نامه مصوبه خود را نیز محترم نشمرد. چه بر طبق آیین نامه ای که در تاریخ 12 مهرماه 1368 از سوی ریاست بنیاد تنظیم و ابلاغ گردید، مبنای فروش دارایی های غیرمنقول^{۴۱}، بر پایه مزایده و از طریق درج آگهی در روزنامه های کثیرالانتشار و قیمت فروش نیز براساس میانگین نظر کتبی دو کارشناس، یکی خبره و دیگری از دادگستری، زیر نظر سرپرست املاک و مستغلات، مدیر فروش و نماینده معاونت اموال و دارایی ها، قرار گرفت. حال آن که، بنا بر گزارش هیئت مزبور، دست اندرکاران بنیاد بدفعات خطا کردند و به اختیار خود و بدون مزایده و درج آگهی، زمین و مستغلات تحت سرپرستی خود را زیر قیمت واقعی، به محبان و خودی ها، پیشکش کردند. به طور مثال می توان به قطعه زمینی در کاشانک شمیران اشاره کرد که در تاریخ 17 اسفند 1371، بعد از مهلت اعتبار تعیین کارشناسانه قیمت، دست کم 38 درصد ارزان تر به شخصی فروخته شد. در برابر پرسش هیئت تحقیق مجلس، مسئولین بنیاد، مدارک کارشناسی دستکاری شده ای ارائه دادند که جعلی بودن آن واضح می نمود^{۴۲}.

3.4. قیمت گذاری و تسویه حساب های مشکوک در بنیاد. در بسیاری از معاملات فروش ملک از سوی معاونت اموال و دارایی ها، نه تنها همچنان که شرح رفت، بدون اعتنا به کارشناسی معتبر و قیمت بازار صورت می گرفته است، بلکه در عین حال تسویه حساب معاملات نیز وضعیت روشن و مشخصی نداشته است. چه در بسیاری از موارد، بنیاد املاک تحت سرپرستی خود را در ازای وجه نقد و شرایط قسطی فروخته است. اما نقد و قسط هر دو خلاف آیین نامه بنیاد است که تصریح دارد خریدار 80 درصد قیمت را ظرف 10 روز و 20 درصد باقی را هنگام انتقال سند، به حساب بنیاد واریز کند. از آن گذشته، بررسی دریافت واقعی وجه نقد، به هیچ وجه ممکن نیست و شبیه آن هست که در مواردی در ازای واگذاری ملک و زمین، اصولاً وجهی دریافت نشده باشد.

در این مورد، هیئت تحقیق و تفحص مجلس به فروش ملکی به مساحت 846 مترمربع واقع در خیابان پاسداران اشاره می کند که در تاریخ 6 شهریور 1373، به معاون وقت بنیاد فروخته شد. از قرار پرداخت بخش قابل ملاحظه ای از مبلغ خرید، به صورت نقد در نظر گرفته شده بود. اما هیئت مذکور، در پیگیری های خود سرانجام بدین نتیجه رسید که نه تنها قیمت ملک بسیار کمتر از ارزش بازاری آن تعیین شده بود، بلکه نحوه تسویه حساب نیز به هیچ وجه روشن نمی نمود^{۴۳}. شبیه چنین معامله ای در تاریخ 21 تیرماه 1373 نیز صورت گرفته بود که طی آن، بنیاد زمین 556 متری واقع در سعادت آباد را بتوان ملک نامرغوب، ارزان تر از قیمت واقعی و به صورت سند به معاونت اداری و مالی بنیاد می فروشد^{۴۴}.

در بعضی موارد، بدون هیچ گونه مجوز و ضابطه قانونی، تخفیف هایی بین 10 تا 70 درصد «برای کسانی که مستضعف و جانباز بوده اند و بعضاً از اقوام ریاست بنیاد» بوده اند، در نظر گرفته شده است. گذشته از تخفیف های غیر قابل توجیه، باید به واگذاری رایگان ملک، بدون مجوز و ضابطه قانونی نیز اشاره کرد. بعنوان مثال در تاریخ 16

۴۱ - جز در مورد مستثنی شده ای چون فروش به جانبازان، دستگاه های دولتی، شهرداری ها، نهادها، شرکت های تحت پوشش آنها را تعاونی های مسکن، مؤسسات آموزشی و درمانی و سرانجام مستأجرینی که از سال 1364 و قبل، تا زمان فروش از املاک مورد فروش استفاده کرده اند.

۴۲ - گزارش تحقق و تفحص... قسمت دوم، همان.

۴۳ - پیشین.

۴۴ - پیشین.

خرداد 1371، قطعه زمینی به مساحت 10741 مترمربع واقع در فرخزاد، بدستور مستقیم ریاست وقت بنیاد، به صورت کمک بلاعوض واگذار شد.^{۴۵}

سرانجام باید یادآور فروش املاک با قیمتی نازل تر از نرخ بازار و با شرایطی به یک اندازه سهل و مشکوک، به افرادی نامشخص شد. گزارش هیئت تحقیق مجلس، در این خصوص، به مواردی چون ملکی در خیابان ولی عصر زعفرانیه، آپارتمانی در تقاطع مدرس و آفریقا و ملکی در خیابان ولی عصر (پارک ملت) اشاره می کند.^{۴۶}

5. فعالیت های نیکوکارانه و امدادی بنیاد. هر چقدر که بنیاد در خصوص فروش و واگذاری املاک و مستغلات به محبان، از گشاده دستی و ریخت و پاش دریغ نداشته است، در ارائه آمار و اسناد از خود نهایت خست را نشان داده است. مثلاً هیچ گونه اطلاعی در باره املاک و مستغلات تا قبل از سال 1368 به مجلس ارائه نشده است، چرا که بنا بر اظهار مسئولین بنیاد، چنین اطلاعاتی اصولاً وجود خارجی ندارند و قابل ارائه نیستند. از آن گذشته، «اسناد و مدارک مربوط به املاک تجاری بنیاد نزد شخص آقای رفیق دوست و جدا از سایر اسناد و مدارک معاونت نگهداری می شود که دسترسی به آنها (برای هیئت تحقیق و تفحص مجلس) مقدور نبوده است»^{۴۷}.

بنیاد در تهیه و ارائه آمار نیز از خود شلختگی بسیار نشان داده است، به طوری که میان رقمی که بعنوان درآمدهای ناشی از فروش اموال و املاک و مستغلات در پنج ساله دوم فعالیت بنیاد (72-1368) به مقام رهبری و آنچه که جداگانه به هیئت تحقیق و تفحص مجلس ارائه شده است، اختلافی 40 درصدی موجود است!^{۴۸}

بدین ترتیب، به جرأت میتوان گفت که دست کم به لحاظ اقتصادی، بنیاد کارنامه موفقی از خود ارائه نداده است. در سال 1999، چند هفته پس از آنکه، محمد فروزنده بجای محسن رفیق دوست متصدی اداره بنیاد شد، اعلام کرد که 80 درصد مؤسسات وابسته به بنیاد ضرر می دهند. علت این شکست در کجاست؟ بی شک بر بی تجربگی و گاهی بی کفایتی مدیران بنگاه های بنیاد که تنها بر مبنای روابط منصوب شده اند، باید برداشت ها و نقل و انتقالات مالی پنهانی را نیز افزود. البته در چنین شرایطی، شاید هم نمی بایستی انتظار کارنامه موفقی از بنیاد داشت. چه از همان ابتدا و خیلی زود، بنیاد تبدیل به روزی رسان محافل گوناگون شده بود.

گرافه نیست اگر بگوییم که در اثر این ریخت و پاش های ناصواب، بنیاد حتی در وظیفه کمک رسانی به جانبازان تحت پوشش خود نیز ناموفق بوده است. فراموش نباید کرد که بند سوم ماده دوم اساسنامه، در مورد هدف بنیاد به روشنی تصریح دارد: «به مصرف رساندن همه درآمدهای بنیاد در راه بهبود وضع زندگی و مخصوصاً مسکن مستضعفان...». گزارش هیئت تحقیق و تفحص مجلس پنجم در خصوص بنیاد، به طور نیمه پنهان، بدین نکته اشاره دارد که در موارد بسیاری، میان ارقام نجومی فروش اموال ملی و تأمین مهم ترین هدف بنیاد، یعنی رفع نیازمندی ها و بهبود وضع زندگی جانبازان و مستضعفان، ارتباط قانع کننده ای دیده نمی شود. بنا بر ادعای بنیاد، این سازمان توانسته است نیم میلیون ایرانی را در چارچوب امور عام المنفعه و خیریه خود پوشش دهد. بخش مربوط به جانبازان جنگ توانسته است در راه برطرف کردن مشکل جانبازان جنگ اقدام کند و آن ها را تحت پوشش بسیاری از برنامه های عام المنفعه خود آورد. بنیاد همچنین سرمایه گذاری هایی در 12 استان محروم کشور انجام داده است. این کمک ها عمدتاً در زمینه ساخت مدارس، مساجد و مراکز بهداشتی و تفریحی بوده و البته برخی امور سرمایه گذاری عمومی تر و کمک های مشخص مالی به برخی افراد را شامل نیز می شده است. این فعالیت ها همچنین شامل برنامه هایی برای

۴۵- ۱۵امه گزارش تحقیق و تفحص مجلس...، قسمت سوم، همان.

۴۶- پیشین.

۴۷- گزارش تحقیق و تفحص مجلس...، قسمت دوم، همان.

۴۸- پیشین.

جذب 150 هزار جوان ایرانی در اردوگاه های جوانان و نیز تأمین پوشاک برای نیم میلیون کودک محروم پیش از نوروز هر سال بوده است.^{۴۹}

اما یحیی آل اسحاق، قائم مقام بخش اقتصادی بنیاد مستضعفان و جانبازان در آبان ماه 1379 رسماً به خبرنگاران اعلام کرده بود که برای تأمین نیازهای واقعی 120 هزار نفر جانباز در سال نیاز به 250 میلیارد تومان بودجه دارد که حدود 140 میلیارد تومان آن از محل درآمد شرکت های بنیاد، بودجه تخصیص یافته از سوی دولت و برگشت مالیات های پرداختی تأمین می شود و بدین ترتیب 110 میلیارد تومان کسری بودجه باقی می ماند! شاید از همین روست که بنیاد به طور مرتب مورد اعتراض مستضعفان و جانبازان قرار دارد. برای نمونه می توان به تحصن نزدیک به 30 نفر جانباز به تاریخ 8 آبان 1381 در مقابل ساختمان دفتر جنوب بنیاد مستضعفان و جانبازان اشاره کرد. بی توجهی به مشکلات مالی جانبازان، دلیل اصلی این تحصن عنوان شده است. گویا چند روز پیش از این ماجرا، یکی از جانبازان با حضور در دفتر جنوب خواستار اعطای 5.000 تومان مساعده می شود. اما با وجود دستور مساعد رئیس دفتر جنوب، حسابدار دفتر از اعطای مساعده خودداری می کند. از قرار قبل از همدلی و تحصن جمعی به اتفاق دیگران، جانباز مذکور بعنوان اعتراض به طور فردی اقدام به درگیری و شکستن شیشه ها کرده بود.^{۵۰}

البته، منصفانه باید گفت خبرنگاری که در سال 1996، موفق به مصاحبه با رفیق دوست شده بود، بروشنی به آسیب دیدگان بسیاری اشاره می کند که در بنیاد مشغول به کار بودند. با وجود این به تصدیق روزنامه های خود کشور، نارضایتی جانبازان روزافزون است. در سال 1998، یکی از معلولین به جان آمده از عدم دریافت کمک، پنجره های دفتر رفیق دوست را به مسلسل بسته بود.^{۵۱}

کارنامه هزینه های نیکوکاری بنیاد شهید چگونه است؟ مجموع هزینه های اداری و پشتیبانی 28 استان بنیاد شهید در سال 1379 معادل 1078 میلیارد ریال بوده است. بنا بر اسناد رسمی، مهم ترین فعالیت های هزینه بر بنیاد شهید در همان سال به ترتیب زیر بوده است:^{۵۲}

هزینه های بنیاد شهید در سال 1379

۴۹ - سوزان مالونی (1379)، بنیادها و خصوصی سازی در ایران، همان. به نقل از سایت www.opcw.org و سخنرانی آقای سبحانی مدیر کل امور بین المللی بنیاد.

۵۰ - آل اسحاق (1379)، روزنامه ابرار اقتصادی، همان.

۵۱ - تحصن جانبازان برای مساعده 5 هزار تومانی، روزنامه انتخاب، پنج شنبه 9 آبان 1381، شماره 1016.

۵۲ - روزنامه فرانسوی فیکارو Figaro (2000)، همان.

۵۳ - پیشین.

سرشکن	مبلغ میلیارد ریال	مورد
	221.000	حقوق و مزایای خانواده شهدا
34074074	92 میلیارد ریال برای 2700 نفر	وام مسکن خانواده شهدا
631934	9 میلیارد ریال برای 14242 نفر	خدمات بهداشتی و درمانی به خانواده شهدا
12936012	56 میلیارد ریال جهت (4329) طرح صنعتی، خدماتی و کشاورزی	اعطای وام به خانواده شهدا
3979308	20 میلیارد ریال برای 5026 مورد	تأمین جهیزه ازدواج خانواده شهدا
	33 میلیارد ریال	ارائه خدمات و اعطای اعتبارات مددکاری
	70 میلیون ریال	هزینه آموزشی افراد در مدارس شاهد

آیا هزینه های نیکو و مددکاری بنیاد شهید، برای خانواده های شهدا مفید بوده اند؟ آیا این هزینه ها بهینه بوده اند و توجیه اقتصادی داشته اند؟ پاسخ به پرسش نخست را به هموطنان مقیم کشور وا می گذارم تا با توجه به مقایسه هزینه های زندگی در ایران و مبالغ سرشکن در جدول، پاسخ مناسب را ارائه دهند. اما پرسش دوم را با پرسش دیگری بسط می دهیم؟ آیا خدمات بنیاد شهید، نیازمند تمامی کارکنان و کارمندانی است که امروز در اختیار دارد؟ آیا همه این افراد که در اکثریت خود تحصیلاتی در حد دیپلم دبیرستان یا کمتر دارند، در خدمت نیکو و مددکاری هستند؟ در حال حاضر بنیاد شهید انقلاب اسلامی دارای تعداد 6904 نفر پرسنل می باشد که تعداد 6579 نفر رسمی بوده و در حدود 19٪ دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر و 75٪ دارای مدرک تحصیلی دیپلم و پائین تر می باشند.

آمار کارکنان بنیاد شهید

بر حسب نوع استخدام، مدرک تحصیلی به تفکیک جنسیت

مرد	زن	
11	1	نامشخص
932	23	ابتدایی و کمتر
754	85	دوره راهنمایی
2704	651	دیپلم
284	163	فوق دیپلم
836	385	لیسانس
64	9	فوق لیسانس
1	0	دکتر
5587	1317	جمع کل

اعترافات فرهاد ابراهیمی در مورد بسیج لباس شخصی ها و ماموریت های خیابانی، بسیاری همچون مرا نگران پرسنل نهادهای غیر پاسخگو کرده است. در این مورد بیش از این و بدون ارائه دلیل و مدرک استوار، نباید نوشت. با این وجود، همچون هر شهروند ایرانی، از نهادهای که بهرمنند از بودجه دولتی است، در مورد سهم 52 در صدی امور کارکنان انتظار پاسخ باید داشت.

اعتبارات بنیاد شهید اسلامی (1379)

درصد	جمع	نام بخش
52	472.994.995	معاونت اداری و مالی و برنامه ریزی امور کارکنان، آمار و اطلاعات، برنامه و بودجه و تشکیلات، امور مالی و ذیحسابی، پشتیبانی
34	307.732.137	معاونت تعاون و امور مجلس پذیرش و کارگزینی شاهد، تسهیلات، اشتغال و خوداتکایی، دفتر حقوقی و امور مجلس
10	89.288.808	معاونت فرهنگی پرورش، آموزش عمومی، آموزش عالی، مددکاری و مشاوره
4	39.272.000	معاونت پژوهشی و تبلیغات تحقیق و پژوهش، مراسم و یادمان ها، موزه شهدا
100	909.287.940	جمع کل

ماخذ: بهزیستی و رفاه، فصل اول، شناخت سازمان های بخش رفاه اجتماعی، صص 39-338.

6. سخن آخر. نقاط اشتراک بنیادهایی که شرحشان رفت و نیز بنیادهای بسیاری از این دست، عمدتاً ناشی از موقعیت انحصاری در اقتصاد و پشت گرمی به کانون های قدرت در سیاست است. کارنامه بنیاد مستضعفان و جانبازان نیز در زمینه اقتصادی، علیرغم موقعیت انحصاری، ناکارآمد و زیان ده و در زمینه سیاسی، متمایل به پشتیبانی و جانبداری از «خودی» ها است. البته این باعث تعجب نیست، چرا که اقتصاد رانت خواری جز از طریق مشارکت و اتحاد با برخی از محافل قدرتمند سیاسی، ممکن نیست. قدرت متکی به محافل قدرت بنیاد مستضعفان تا به آنجاست که حتی دولت را نیز زیر فشار می گذارد. شاهد این مدعا، واداشتن دولت به پرداخت بودجه است، در حالی که بنا بر تعریف، بنیادها در تمامی جهان مؤسسات خودمختار غیردولتی هستند که تنها با دهش و کمک بنیانگذاران و دوستداران نیکوکار و در بعضی موارد فروش خدمات خود، فعالیت می کنند. در این مورد کافی است به فهرست بلند بنیادهای مشهور جهان چون بنیاد فورد، بنیاد راکفلر و دیگر اشاره کنیم. اما در ایران، بنیاد مستضعفان به مثابه بزرگ ترین بنیاد کشور، نه تنها قادر به اداره اقتصادی دارایی های تحت اختیار و انجام مأموریت بنیانی خود یعنی کمک به محرومان و جانبازان نیست، بلکه حتی برخلاف قاعده، دولت را نیز مجبور به پرداخت سهمی از بودجه می کند. در این صورت چرا دولت به طور مستقیم رسیدگی به محرومان و جانبازان را بهعهده نمی گیرد؟ چرا از همان آغاز انقلاب، بنیاد مستضعفان از جذب در ساختار دولت در امان ماند و در عین حال از هرگونه پاسخگویی معاف شد؟

پاسخ را باید در کارکرد اقتصاد رانت خوار جست. محافل پنهان و نیمه پنهان سیاسی - اجتماعی، مراکز ثروت سازی را در اختیار خود می گیرند و بدین ترتیب به قدرتی دست می یابند که حتی دولت را نیز زیر فشار می گذارد. از همین رو، لازم بود که بنیاد بعنوان اهرم اقتصادی محافلی در قدرت، «شتر، گاو، پلنگ» باقی ماند: نهادی «مستقل» اما در عین حال بهره مند از بودجه دولتی، سازمانی با دخالت های نیکوکارانه در همه امور کشور، اما بی نیاز از هرگونه پاسخگویی. در تمامی این سال ها، بر قدرت اقتصادی و سیاسی بنیاد به طور توانمند افزوده می شد. به طوری که این نهاد، باوجود تمامی مشکلات، از جنگ هشت ساله عراق با ایران، قدرتمندتر از گذشته سر برآورد. مسئولیت جانبازان و در عین حال حمایت از کسانی که زندگی خود را وقف جمهوری اسلامی کرده اند، به بنیاد محول شد و از سوی

دیگر مدیریت امور جاری آن به محسن رفیق دوست سپرده شد که تا پیش از آن فرمانده سپاه پاسداران بود. اما بی شک مهم ترین دگرگونی در این زمان، تغییر در چگونگی نظارت بر بنیاد بود. در حقیقت در همان سال 1368، به دنبال تغییر موادی از قانون اساسی، جایگاه ریاست جمهوری تقویت شد، مقام نخست وزیری از چارچوب نظام حذف گشت و بویژه نظارت بر بنیاد مستضعفان و جانبازان، از دولت به دفتر مقام رهبری منتقل شد. دیگر به طور رسمی، بنیاد نیازی به پاسخگویی در برابر نهادهای انتخابی نداشت.

گذشته از موفقیت های انحصاری در زمینه اقتصادی و واداشتن دولت به پرداخت بودجه و اعطای هزار و یک نوع بارانه این بنیادها در زمینه سیاسی و حتی امور بین المللی نیز دست به اقداماتی می زدند که الزاماً با دیدگاه دولت رسمی همخوانی ندارد. بنیاد پانزده خرداد و طرح جایزه 2 میلیون دلاری آن در خصوص قتل سلمان رشدی، شاید مشهورترین نمونه در این مورد باشد. بنیادهای عملاً اقتدار دولت را، از هر جناحی که باشد تهدید می کنند.

دیگر وجه مشترک در عین حال منفی و تعجب برانگیز بنیادها در ایران در ماهیت وارانها آنها نهفته است. در سرتاسر جهان اشخاص ثروتمند و شرکت های اقتصادی، از حساب دارایی و سود خود، بنیادهایی را تأسیس می کنند تا در امور نیکوکاری و اجتماعی فعالانه شرکت کنند. بدین ترتیب، جامعه مدنی به خرج و هزینه خود به خدمت جامعه مدنی می پردازند و از وزنه بیشتری در برابر حکومت برخوردار می شود: در این میان، قدرت دولتی نیز بی بهره نیست، چون دست کم تا اندازه ای از فشار هزینه های فراینده جاری بر بودجه اش کاسته می شود. از همین روست که در سال های گذشته حکومت و حکومت شونده بویژه در کشورهای پیشرفته، هر چه بیشتر متوجه اهمیت و فواید بنیادهای غیر دولتی شده اند. بدین ترتیب که اشخاص و بنگاه هاتمایل بیشتری به ایجاد بنیادهای نیکوکاری از خود نشان می دهند و دولت ها نیز برای تشویق به این کار، تسهیلات بیشتری برای تأسیس و ترویج بنیادها در اختیار ایشان قرار می دهد. کافی است در این مورد و بعنوان مثال به تحول بنیادها در کشور فرانسه اشاره می کنیم:

بنیادها در فرانسه

تعداد بنیادها			بودجه عمومی (میلیون یورو)			
2000	1998	1996	2000	1998	1996	
1200	1100	1000	198	191	168	زمینه های فرهنگی
550	475	450	130	122	110	زمینه های امدادی
90	70	60	13	11	6	حفاظت محیط زیست

مأخذ: روزنامه Les Echos مورخ 16 ژانویه 2003، به نقل از

Association pour le développement du mécénat et commercial (Admical)

اما وزنه بنیادها در جامعه مدنی و دیگر کشورهای صنعتی و پیشرفته، بسیار مهم تر است:

کارنامه بنیادها در سال 2000 میلادی

تعداد بنیادها	تعداد بنیاد به ازای 100000 نفر	
50000	18	ایالات متحده آمریکا
8800	16	انگلستان
8312	10	آلمان

2	1300	ایتالیا
1	550	فرانسه

مأخذ : روزنامه Les Echos مورخ 17 و 18 ژانویه 2003، به نقل از

Foundations in Europe, Editions Bertelsmann, 2001

در ایران اما، حکایت بنیادها واژگونه است. چه اگر در غرب، شرکت ها و اشخاص متمول با اختصاص بودجه ای، بنیادهایی را برای کار اجتماعی و مدنی بوجود می آورند. در ایران این بنیادها هستند که شرکت ها را تحت اختیار خود گرفته اند! اگر در غرب بنیادها، در عین حال کمک نیازهای جامعه مدنی و بودجه دولتی هستند، در ایران به هزینه ای بر دوش بودجه دولتی و پایگاهی برای تیول داران مبدل گشته اند! بنیادهایی از این دست، به بارزترین شکلی، نمونه اتحاد نامیمون قدرت های سیاسی پنهان و عیان و رانت خوارهای اقتصادی هستند. شاید دور باطل نیز در همین جاست. بر دولت است که در زمینه اقتصاد و سیاست شرایط رقابت آزاد را برای همگان فراهم آورد، اما برای این کار توان هموردی با بنیادها و حامیان قدرتمند سیاسی و اقتصادی آن ها را ندارد. دارد؟